

حوادث۱۹

تلنگر

حادثهٔ مرگبار در شرکت تصفیه روغن

مرگ ۳ کارگر در انفجار



آتش‌سوزی مخازن در شرکت صنعتی تصفیه روغن در چرمشهر بوئین‌زهرا به مصدومیت پنج نفر و مرگ دو نفر از کارگران منجر شد. در حالی‌که آتش خاموش شده اماجست‌وجوهای نیروهای امدادی برای یافتن سومین کارگر گمشده ادامه دارد. به گزارش جام جم، ساعت ۳۰و۸ دقیقه پنجشنبه بیست‌وسوم دی امسال، وقوع آتش‌سوزی گسترده‌ای در یک شرکت صنعتی تصفیه روغن در شهرستان بوئین‌زهرا به آتش‌نشانی گزارش شد. همزمان با حضور آتش‌نشان‌ها و نیروهای امدادی اورژانس، عملیات مهار آتش و نجات افراد حاضر در آنجا آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد انفجار مخازن روغن باعث این حادثه شده‌است. یک مرد ۳۰ساله دچار ترومای قفسه سینه، پسر ۱۷ساله ترومای دست، یک آتش‌نشان ۳۸ساله نیز از ناحیه‌ی پا مصدوم شده بودند که پس از اقدامات اولیه به بیمارستان امیرالمومنین(ع) بوئین‌زهرا منتقل و دو نفر نیز در محل حادثه سرپایی درمان شدند. این در حالی بود که سه نفر هم ناپدید شده بودند. با تلاش نیروهای امدادی و آتش‌نشانی‌های استان‌های قزوین، البرز و تهران بعد از ۱۲ ساعت آتش مهار شد. قدرت... مهدیخانی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری قزوین در این باره به ایرنا گفت: این آتش‌سوزی در شرکت مهران‌گستر در چرمشهر شهرستان بوئین‌زهر رخ داد، در پی انفجار مخازن روغن، چهار دستگاه خودرو در آتش سوخت. پنج نفر مصدوم و سه نفر ناپدید شدند. عملیات برای یافتن سه کارگر ناپدید شده ادامه داشت تا این‌که جمعه اجساد دو نفرشان را پیدا کردند اما جست‌وجوها برای یافتن جسد آخرین فرد گمشده همچنان ادامه دارد. وی افزود: علت حادثه هنوز مشخص نیست ولی تجربه نشان داده که بیشترین عوامل مؤثر در این‌گونه حوادث، بی‌احتیاطی و نبود رعایت نکات ایمنی در صنایع است. مجتمع صنعتی چرمسازی هنوز زیر نظر شرکت شهرک‌ها قرار ندارد و همین موضوع رعایت اصول ایمنی و فنی واحدها و الزام به تامین تجهیزات آتش‌نشانی را در آن به حداقل رسانده است. آخرین گزارش‌ها حاکی است، ۹مخزن از ۴۴ مخزن شرکت منفجر شدند که دلیل انتقال انفجار و حریق از هر مخزن به مخزن دیگر رعایت نشدن استانداردها و فاصله ایمنی لازم بین مخازن بود.

مرگ ۲ نفر در تصادف با قطار

در دو حادثه جداگانه در شهرستان دورود و قائمشهر دو نفر با قطار برخورد کرده و فوت شدند.

به گزارش مهر، اولین حادثه ساعت ۱۵و ۳۵دقیقه پنجشنبه بیست و سوم دی امسال در شهرستان دورود استان ریان رخ داد که باعث برخورد دیزل قطار با پسر ۱۶ ساله در ایستگاه راه‌آهن شد. مصدوم بعد از انتقال به بیمارستان شهدای هفتم‌تیر فوت شد. دومین حادثه نیز همان شب ساعت ۱۸و ۳۰ دقیقه در خیابان تهران در شهرستان قائمشهر استان مازندران رخ داد و در این حادثه مرد جوانی به دلیل برخورد با قطار، جان خود را از دست داد.

نوه، پدربزرگ را کشت

پسر ۹ ساله در جشن عروسی در چرام، پدربزرگش را با شلیک گلوله کشت. سرهنگ سعید بالش، رئیس پلیس آگاهی کهگیلویه و بویراحمد به سایت پلیس گفت: «شامگاه چهارشنبه بیست و دوم دی امسال، مردی ۴۵ ساله هنگامی که دخترش در حال خروج از تالار عروسی برای رفتن به خانه بخت بود، در شهرستان چرام دچار حادثه شد. او تفنگ برنو مسلح در دست داشت و نوه ۹ساله‌اش بر اثر سهل‌انگاری ماشه تفنگ برنو را فشار داد که باعث مرگ وی شد.»



۱۷کیلویی روغن در محل حادثه، احتمالاً فرد فوت شده برای گرم کردن خود اقدام به روشن کردن آتش در اتوبوس اسقاطی کرده و آتش‌سوزی رخ داده‌است. به‌گفته شاهدان محل، فرد فوت شده بی‌خانمان بوده و در آن محل رفت‌وآمد داشته است.

می‌خواستم از جامعه انتقام بگیرم



علیرضا ۴۵ساله با موهای ژولیده و پلیور قهوه‌ای گوشه‌ای ایستاده و مدام فریاد می‌زد دیوانه‌ام، مرا به زندان و بازداشتگاه منتقل نکنید. از تنهایی می‌ترسم، سگته می‌کنم و می‌میرم. بعد از این‌که آرام شد، گفت‌وگویی با او انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

چه کارای؟

پیش از این در واحد دستگاه‌های چاپ یک شرکت کار می‌کردم. بعد به شرکت نساجی رفته و مشغول به کار شدم. بعد به شرکت دیگری رفتم که مرا در آنجا اذیت می‌کردند. پدرم با کارفرمایم شریک شد تا کنارم باشد و کسی مرا اذیت نکند اما شریکش سرا و کلاه گذاشت و رفت و من هم از آن موقع بیکار شدم.

هزینه زندگیات چطور تامین می‌شد؟

پدرم با نامادری‌ام در کرج زندگی می‌کرد. او خانه‌ای در محله کارون تهران برایم اجاره کرد که آنجا بودم و هزینه زندگی‌ام را هم پدرم می‌پرداخت.

از ارتباطات با خانواده‌ات بگو.

ارتباطم با پدر و نامادری‌ام خوب بود. من اولین فرزند خانواده‌ام اما از ۱۰سال قبل که مادرم بر اثر دیابت و بیماری قلبی فوت کرد، خانواده مادرم مرا مقصر مرگش می‌دانستند. من عاشق مادرم بودم.

ازدواج کردی؟

خیر. شرایط جور نشد که عاشق شوم و ازدواج کنم. همیشه تنها بودم شاید اگر ازدواج می‌کردم خانواده‌ای داشتم و تنهایی سراغم نمی‌آمد، آدم بدی نمی‌شدم.

بیماری روحی داری؟

بله. روانم به هم ریخته و دوقطبی‌ام. از ۲۷سال قبل بیماری‌ام شروع شد، بیمارستان بستری شده و مجبوم و مدرک پزشکی دارم. مدت‌هاست قرص اعصابم را نمی‌خورم، چون حالم را بدتر می‌کرد.

درس خواندی؟

و عذاب می‌داد، شرایط دست به دست هم داد تا از جامعه و مردم انتقام بگیرم. به اتوبان و بزرگراه‌های سطح تهران رفته و با بلوک‌های سیمانی و قطعات سنگ، سمت خودروها سنگ‌پرانی می‌کردم و فکر نمی‌کردم باعث مرگ و مصدومیت افراد شوم.

بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران درباره آخرین روند تحقیقات به جام جم گفت:

مرگ مرد بی‌خانمان در آتش‌سوزی اتوبوس اسقاطی

با حضور نیروهای امدادی در محل، معلوم شد یک اتوبوس اسقاطی در آنجا آتش گرفته‌است. امدادگران به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و توانستند آن را مهار کرده و از سرایت شعله‌های آتش به اطراف جلوگیری کنند. وی افزود: این حادثه با یک فوتی همراه بود. با توجه به وجود یک قوطی حلب



سنگ‌پران مرگبار پایتخت دستگیر شد

من بیمار روانی‌ام!

معصومه ملکی
حوادث

سنگ‌پرانی‌هایش بازداشت شد. او می‌گوید بیمار روانی است و تاکنون باعث مرگ یک زن و مرد، مصدومیت شش نفر و تخریب ۸دستگاه خودرو شده‌است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح دوازدهم آذر امسال راننده ۴۸ ساله خودروی پرایدی در بزرگراه شیخ فضل‌...، حدفاصل یادگار امام(ره) هدف برخورد قطعه سنگی قرار گرفت و فوت کرد. علاوه برآن سه خودروی عبوری نیز هدف اصابت سنگ قرار گرفته و رانندگان آن مصدوم شدند. معلوم نبود که این سنگ‌ها چطور به سمت خودروهای عبوری پرت شده‌است. ماموران ابتدا تصور می‌کردند مصالح از ساختمان نیمه‌کاره‌ای در آن منطقه روی خودروها پرت شده‌است. اما در بازبینی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته بزرگراه با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. تصاویر نشان داد مردی در مدت پنج ثانیه سنگ‌ها را به سمت خودروها پرت کرده و متواری شده‌است.

ماموران در جست‌وجوی سنگ‌پران وحشت‌آفرین بودند که در این رابطه تعدادی از افراد معنادار هم به‌عنوان مظنون بازداشت کردند اما چون نقشی در ماجرا نداشتند، آزاد شدند. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که صبح نهم دی امسال وقوع حادثه مشابه دیگری سنگ‌پرانی این‌بار در بزرگراه نواب و زیر پل نهم دی به بازپرس جنایی و تیم

تحقیق ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران گزارش شد. بررسی‌های اولیه آنها نشان داد، دو خودروی تیبا و پراید تخریب و دو مرد که رانندگان آن بودند مصدوم و راهی بیمارستان شدند. اما راننده ۴۵ ساله خودروی ساندرو که خانم معلمی بوده به‌دلیل شدت صدمات در محل فوت کرده‌است.

بازبینی فیلم‌های مداربسته در بزرگراه نشان داد، این سنگ‌پرانی نیز توسط همان متهم تحت تعقیب رخ داده‌است.

در ادامه تحقیقات هویت زن کشته شده که فرزند یکی از شهدای جنگ تحمیلی بود به‌دست آمد. با شناسایی اقوام وی معلوم شد او سمیه ستوده نیک‌نژاد بوده که آن روز سراغ دایی خود می‌رفته تا با هم راهی شهرستان شوند.

دو هفته از مرگ این خانم معلم گذشته بود که صبح پنجشنبه بیست‌وسوم دی امسال تماس‌های تلفنی مردمی به پلیس ۱۱۰ تهران



ثبت لحظه پرتاب بلوک توسط دوربین‌های شهری

شروع شد؛ آنها می‌گفتند مردی را در فاصله کمی پایین‌تر از پل نهم دی دیدند که با سنگ‌پراکنی‌ها خودروی سمندو پژو ۲۰۶ را تخریب کرده‌است. زمانی که ماموران به آنجا رسیدند او فرار کرده بود اما فیلم دوربین‌ها نشان داد او همان متهم فراری بوده‌است. سرانجام گشت کلانتری اوسعید توانستند ساعاتی بعد از ماجرا متهم فراری را که حوالی خیابان امام خمینی(ره) پرسه می‌زد، بازداشت کند.

ساعتی بعد از دستگیری متهم، او برای فرزند یکی از شهدای جنگ تحمیلی بود به‌دست جنایی تهران منتقل شد و گفت: مادرم ۱۰سال قبل فوت کرد. خانواده‌ام و طایفه او مرا مقصر مرگش می‌دانستند. از سویی خواهر و برادرم به عناوین مختلف مرا اذیت کرده و اعصابم را به‌هم ریخته بودند. بیماری روحی دارم. رفتارهای مردم جامعه نیز مرا ناراحت می‌کرد

جزئیات مرگ ۲ کوهنورد حرفه‌ای در علم‌کوه

آخرین صعود



لیلا حسین‌زاده
حوادث

حامد شاه‌حسینی و عباس‌کلهر دو کوهنورد عضو باشگاه توجال تهران، قرار بود روز سه‌شنبه هفته گذشته با هم به قله علم‌کوه در استان مازندران صعود کنند و بعد جشن بگیرند اما روح‌شان هم خبر نداشت این آخرین باری است که با کوه دست و پنجه نرم می‌کنند. در حالی‌که امدادگران تلاش می‌کردند هر دو را نجات دهند اما شدت سرما و تخلیه انرژی بدن، جان هر دو را گرفت. پس از به‌تر شدن شرایط جوی، پیکرهای هر دو کوهنورد قرار است توسط امدادگران به پایین انتقال داده شود. از چند روز پیش که خبر گرفتار شدن آنان در قله علم‌کوه و برف و کولاک شدید منتشر شد، امدادگران فدراسیون کوهنوردی و امدادگران هلال احمر برای نجاتشان به تکیاוף افتادند. هم‌شاه حسینی و هم‌کلهر به نجات پیدا کردن امید زیادی داشتند و منتظر رسیدن کمک بودند اما تقدیر برای‌شان سرنوشت دیگری رقم زده بود.

حمید مساعدیان، مدیر مسوول انجمن پزشکی کوهستان ایران در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم در مورد جزئیات حادثه رخ داده برای دو کوهنورد گفت: «هر دو عضو باشگاه توجال تهران بودند و روز سه‌شنبه در قالب یک برنامه دوستانه دو نفره به قله علم‌کوه از مسیر گرده آلمان صعود کردند اما متأسفانه به علت

پیدا کنند اما متأسفانه روز چهارشنبه هفته‌گذشته موفق نشدیم برای نجات آنها تیم اعزام کنیم. به‌ناچار روز پنجشنبه و با اولین پرواز از طریق جمعیت هلال احمر، تیمی تخصصی و حرفه‌ای به محل اعزام کردیم.» سرمای منفی ۲۰ درجه در منطقه همراه با وزش باد شدید و بارش برف و کولاک، شرایط بسیار طاقت‌فرسایی برای دو کوهنورد ایجاد کرده بود و هر لحظه شرایط بدنی‌شان رو به تحلیل می‌رفت. یک تیم سه‌نفره از فدراسیون کوهنوردی به محل حادثه اعزام شدند. مساعدیان ادامه داد: «با جوانمردی خلبان هلال احمر، امدادگران در ارتفاع ۴۶۰۰ متری و در نزدیک‌ترین نقطه‌ای که امکان داشت به دو کوهنورد دسترسی داشته باشند، فرود آمدند. تیم سه‌نفره، صعود به قله علم‌کوه را آغاز کردند و زمانی به آنها رسیدند که متأسفانه یکی از کوهنوردان به دلیل خستگی و تخلیه انرژی، سرما و وزش بادی که در منطقه وجود داشت، فوت شده بود. در ادامه، گروه اقدام به نجات نفر دوم کرد اما او نیز دچار هایپوترمی و تخلیه انرژی شده بود که ظهر پنجشنبه ۲۳ دی متوجه شدیم نفر دوم نیز جان خود را از دست داده‌است.» محمد حسین کبادی، مدیرکل پایگاه‌های امداد و نجات هلال احمر در تشریح عملیات هلال احمر برای نجات دو کوهنورد به جام‌جم گفت: «با توجه به شرایط ناپایدار جوی و وزش باد، امکان اعزام بالگرد به محل دقیق

عامل شهادت مامور کلانتری پای میز محاکمه

عامل شهادت سرباز کلانتری ۱۱۰ شهدای تهران، در جلسه دادگاه به دفاع در برابر اتهامش پرداخت. مرد جوان با قبول اتهام قتل، مدعی شد در آن لحظه فقط به فرار فکر می‌کرده‌است. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۳ شنبه نهم مرداد امسال سرباز دهه هشتادی کلانتری ۱۱۰ شهدای تهران هنگام انتقال سارق موتورسیکلت از دادسرا به کلانتری با ضربه‌های چاقوی سارق شهید شد. سرباز ۲۰ساله عبدالجبار مختوم‌نژاد، ۱۵ماه خدمت و ساکن یکی از شهرستان‌های استان گلستان بود. او قاری قرآن و مداح کلانتری بود. علی سارق ۲۹ساله که با دستبند فرار کرده بود تحت تعقیب قرار داشت تا این‌که ۱۰ساعت بعد در بوستانی در کرج بازداشت و موتور سرتی از او کشف شد. متهم در تحقیقات مقدماتی و با اعتراف به کشتن سرباز جوان مدعی شد، یک‌دفعه به فکر فرار افتاده و با چاقو سرباز رازخمی کرده و مرگ وی را رقم زده و پشیمان از این جنایت است. با توجه به حساسیت پرونده، به آن به صورت ویژه در دادسرا رسیدگی شد و متهم در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک پای میز محاکمه قرار گرفت. براساس کیفرخواست دادسرا، علی در این پرونده متهم به قتل عمدی، جرح غیرموتور در قتل، سرقت و تخریب دستبند، ترمز از فرمان پلیس، حمل سلاح سرد و سرقت موتورسیکلت است. ابتدای جلسه دادگاه، اولیای دم برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کردند. متهم نیز پس از قرار گرفتن در جایگاه در دفاع از خود گفت: باور کنید من قصد آسیب رساندن به سرباز را نداشتم و به فرار هم فکر نمی‌کردم. وقتی برای خوردن ساندویچ کنار دیوار نشستم تا با هم ساندویچ بخوریم، ناگهان فکر فرار به ذهنم رسید. یک لحظه چاقو را از کیسه بیرون آوردم و در جیبم جاساز کردم. بعد هم شروع به دودیدن کردم که او تعقیب کرد و با هم گلاویز شدیم. با چاقو چند ضربه به او زدیم و به فرار ادامه داد. من آن لحظه فقط به فرار فکر می‌کردم و قصد کشتن سرباز جوان را نداشتم و حالا شرمندۀ خانواده‌ام هستم.

پس از آخرین دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.